

بسم الله الرحمن الرحيم

دفترهای بارانی

احسان مردانی

سرشناسه	: مردانی، احسان، ۱۳۶۷ -
عنوان و نام پدیدآور	: دفترهای بارانی / احسان مردانی.
مشخصات نشر	: تهران: شرکت انتشارات قلم، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۲۲۱ ص.
شابک	: 978-964-316-267-2
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا.
موضوع	: نشر فارسی - قرن ۱۴.
موضوع	: Persian Prose Literature - 20th Century
رده بندی کنگره	: PIR ۸۳۶۱ / ۴ د ۷ ۱۳۹۶
رده بندی دیوبند	: ۸ فا ۸ / ۸۶۲
شماره کتابخانه ملی	: ۴۶۳۶۸۴۰



دفترهای بارانی

نویسنده: احسان مردانی

ناشر: شرکت انتشارات قلم

نوبت چاپ: چاپ اول، ۱۳۹۶

حروفچینی و صفحه‌آرایی: حروفچینی هُما (امید سیدکاظمی)

چاپ و صحافی: مهارت

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

شرکت انتشارات قلم: تهران، خیابان مطهری

نرسیده به خیابان مفتاح، شماره ۲۴۰، طبقه پنجم

تلفن ۸۸۳۱۲۸۹۳ تلفکس ۸۸۲۹۳۶۴

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۱۶-۲۶۷-۲

ISBN: 978-964-316-267-2

همه حقوق محفوظ است

فهرست

۶۲.....	زاویه‌ها	۵.....	مقدمه
۶۶.....	تکوارستان	۷.....	چه رنگی؟
۶۸.....	داشتنی‌ها	۱۰.....	«قلم»، مادری مسافر
۷۱.....	دفترهای بارانی	۱۲.....	بهبانهای برای نماندن
۸۵.....	مسافر	۲۱.....	به رنگ زمستان
۸۷.....	سطربه سطر	۲۱.....	در سطرهای یک تعبیر
۸۹.....	یک شب بارانی	۲۷.....	سوآلی برای «نپرسیدن»!
۹۲.....	من رستم	۳۰.....	سکوت
۹۵.....	و شاید هم نزدیک‌تر	۳۲.....	پرواز کبوترها
۹۷.....	نقاشی	۳۴.....	به مقصد صبح
۹۹.....	گفتگو	۳۶.....	در رسای آشنا
۱۰۱.....	می‌توان نفروخت	۳۹.....	اندوهی برای دو گناه
۱۰۴.....	مؤذن خاموش	۴۳.....	من شب، تو ماه
۱۰۶.....	کلمات تب‌آلود	۴۵.....	شیبانه
۱۱۰.....	مخمصه	۴۷.....	باز هم مبهم‌تر
۱۱۲.....	پرسه	۵۱.....	قدم‌ها
۱۱۳.....	شهری در بیداری	۵۳.....	پرواز شبنامه
۱۱۷.....	یک قرص نان	۵۹.....	بهترین؟

۱۶۹	من چیستم؟	۱۱۸	بام
۱۷۷	مهرباب و پروانه	۱۲۰	پرستو
۱۷۹	هجی	۱۲۳	پستو
۱۸۱	همدم	۱۲۷	ثانیه‌گرد
۱۸۳	هی مرد، بیداری؟	۱۲۹	خاکستری
۱۸۸	وعده‌گاه	۱۳۳	خیمه‌بازی
۱۹۵	یک شمع هم‌سایه	۱۳۹	سایه‌سب
۲۰۲	پایان خوش	۱۴۲	دم‌جنباک
۲۰۳	!ه‌ن وراو	۱۴۲	رها
۲۰۵	شب در سپید ماه	۱۵۰	سقط
۲۰۸	بربام شب نشسته	۱۵۱	سینه‌ریز
۲۱۰	دشتستان و بازار	۱۵۲	شب‌گرد
۲۱۱	بام بگو...	۱۵۶	شخم
۲۱۳	شب‌شاخه	۱۵۷	فالستای مرد تنها!
۲۱۴	مسافر باشی و پروانه باشی	۱۶۰	گورکن
۲۱۷	جفا	۱۶۲	مزار
۲۱۹	نیمه‌ی رم!	۱۶۵	مستاجر
		۱۶۷	مصلوب

مقدمه

و این کتاب به «ایثار» می‌کنم.
به روح پرستنده‌ای که هیچ‌گاه در دوست داشتنش، گرفتاری فاصله‌ها نبوده‌ام و حضور پاکش را در کنار لحظه لحظه‌ی من و پا به پای هر ثانیه از معنی گرفتم، احساس کرده‌ام.
مردی که آنچه اندوخت، در بازار پرطوفان و زمرگی، نفروخت و به راستی که بهایش ارزان نبود.

معلمی که بهت‌های آموزنده‌ی هر آنچه ناکند، خدایم و شوق‌های الهام‌بخش هر آنچه تاکنون نوشته‌ام، همگی یادگار سطرهای نوشتن و سطرهای یادگار من نیز او را در «کویر» یافتیم و همراه قافله‌ی کلمات خریدیم، «کبیر» «غسل» کردم، به امید اینکه، روزی، در جایی از این راه، راهی «شهادت» شوم و تا آن روز، رسایه‌ی یکی از همین درختان تاق، شب‌های بی‌تاب فراق را به این امید می‌گذرانم که «هر نفس، گامی به او نزدیک‌تر شوم و این زندگی من خواهد بود».

تقدیم به روحی معاصر و بزرگ، تقدیم به معلم شهید، دکتر علی شریعتی و تقدیم به همسر و فرزندان فداکارش، خانواده‌ای که در ذهن نوایم، واژه‌ی مقدس «ایثار» را تداعی می‌کند.

ایثاری که به راستی، معنای والایش، کم از «شهادت» ندارد!